

روز جهانی
اهدای خون
گرامی باد

هنر بهتر ز میراث پدر

از امروز روی خودمان سرمایه گذاری کنیم

۱۴۸

شکر + کوله بيشته

۱۴۰۲ ۰۳ ۲۴

تصمیمه رایگان روزنامه شکر از
ویژه کودکان و نوجوانان مشهد
شماره ۳۳۳ روزنامه شکر
آشنیه



هنر بهتر ز میراث پدر

به نام خدایی که آفریننده‌ی همه‌ی هنرها و زیبایی‌هاست. سلام دوستان خوب و زیر و زبر و زرنگ و درس‌خوان کوله‌پشتی! امیدواریم سالم و سرحال باشید و همه‌ی امتحانات خود را به‌خوبی پشت سر گذاشته باشید.



طیبه ثابت

دیروز، درست زمانی که مطالعه‌ی آخرین صفحه‌ی کتابم را به پایان می‌رساندم و می‌خواستم یک لیوان آب خنک بنوشم، مادر بزرگ بامهربانی مرا صدا زد و گفت: «می‌خواهم خواهرت را غافل‌گیر کنم. می‌خواهی کمکم کنی؟» چشم‌هایم از خوش‌حالی برق زد. من عاشق خوش‌حالی اعضای خانواده‌ام و غافل‌گیر کردن آن‌ها در سالروز تولدشان بودم. خندیدم و بلند گفتم: «بله که موافقم، اما تولد مینا که الان نیست! مرداد است.» مادر بزرگ انگشت اشاره‌اش را جلو دهانش گذاشت و گفت: «هیس! دنیا را که خبردار کردی بچه‌جان! بیا اینجا ببینم.»

خواهرم هنوز از هنرستان به‌خانه نیامده بود. مادر بزرگ مرا به اتاق خودش برد و یک دستبند بافتنی منجوق‌دوزی از توی کمدمش درآورد و به من گفت: «کاغذکادو داری این را ببیچیم؟» دستبند را از او گرفتم و مات زیبایی بافت ریز و نقشش شدم. گفتم: «وای! خدایا، چه قدر زیبا و

هنرمندانه است!» مادر بزرگ خنده‌ای کرد و گفت: «کار زمان جوانی خودم است. برای تو هم یک هدیه‌ی این‌طوری دارم که وقتش هنوز نرسیده است، اما این هفته روز صنایع دستی است. می‌خواهم اوّل مینا را در هفته‌ی صنایع دستی غافل‌گیر کنم چون او خیلی روی هنر وقت می‌گذارد.»



فهرست

هنر بهتر ز میراث پدر ۱/۱
قالی ما ۲/۱
ماشین‌های قوطی کبریتی ۳/۱
چه‌خاله عنکبوت باسلیقه‌ای! ۴/۱
صاحب‌خانه‌ی کوچک ۶/۱
در دلم دریا بریز ۷/۱
الا بلا بینگو ۸/۱
خوراک گوجه‌بادنجان ۹/۱
قاب کودکی ۱۰/۱
روی خودمان سر مایه‌گذاری کنیم ۱۲/۱
آداب زیارت امام رضا(ع) ۱۴/۱
جدول انگلیسی ۱۶/۱
اهدای خون، فرصت دوباره‌ی زندگی کردن ۱۷/۱

صاحب‌امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر
سر دبیر:
سید سجّاد طلوع هاشمی
دبیر صنایع:
ارژنگ حاتمی
دبیر کوله‌پشتی:
طیبه سادات ثابت
گرافیک و صفحه‌آرایی:
ملک جمعی

پست الکترونیک:
sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fa/kids
ایتای روزنامه: ۰۶۰-۵۴۶۵۸۰۹۰
نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۳۷۲۸۸۸۸۱
توزیع و امور مشترکین:
۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵۱-۰۵۱
داخلی ۵۱۹ و ۵۲۰



توی دلم از حرف‌های مادر بزرگ خیلی خوش حال بودم که چه قدر
مهربان و به فکر همه‌ی ماست.

توی اتاقم رفتم و کاغذ کادو و چسب نواری و قیچی را
آوردم. بعد از اینکه هدیه قشنگ کادوپیچ شد، آن را به
مادر بزرگ دادم. مادر بزرگ تشکر کرد و گفت با او به
اتاق خواهرم برویم.

درست کنار پنجره یک دارقالی
کوچک با نقش زیبا پیش
روبه روی ما ایستاده بود. باور
نمی‌کردم مینا چه قدر برایش
زحمت کشیده بود. مادر بزرگ
دستی به تابلو فرش خواهرم
کشید و گفت: «آفرین به
این همه هنر و زحمت. از
قدیم گفته‌اند: «هنر به
و هنر به و هنر به / هنر
بهتر از میراث پدریه!»

بعد هم ادامه
داد: «این شعر به
مامی گوید همه‌ی
دارایی‌های آدم
تمام می‌شود اما
کسی که هنرمند
باشد، دارایی‌اش،
یعنی هنر، تمام
نمی‌شود. هنر را
باید حفظ کنیم.»
بعد هم کادو را
در اتاق خواهرم
گذاشت و با
هم منتظر
رسیدن او
شدیم.



قالی ما

قالی ما مثل یک دنیا است
کوه دارد درّه و دریا
چند تا آهوی زیبا هم
می‌دوند آن گوشه‌ی صحرا

روی قالی می‌روم آرام
می‌نشینم در کنار کوه
زیر پایم یک چمنزار است
روبه رویم جنگلی انبوه

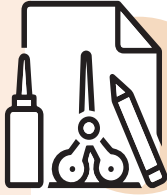
واقعاً اینجا هوا خوب است
روی آن با شوق می‌مانم
گرم کرده تار و پودش را
گرمی دستان مامانم



منیره هاشمی



تصویر گزیده از فضای



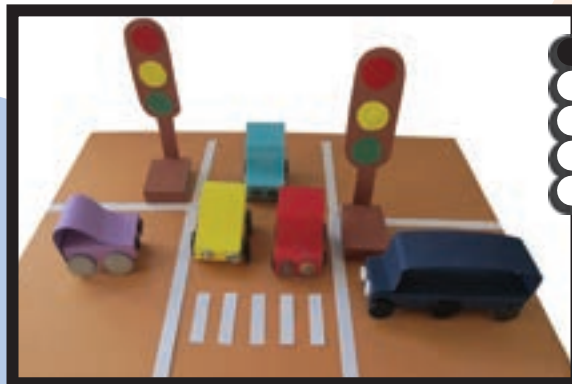
طاهره عرفانی

ماشین‌های قوطی کبریتی

چه‌طور درست کنیم؟

کاغذهای رنگی را به اندازه‌ی سطح قوطی‌های کبریت ببرید. با چسباندن کاغذها روی قوطی‌ها بدنه‌ی ماشین‌های خود را آماده کنید. نوار مقوایی بلندی به اندازه‌ی سطح قوطی کبریت برش دهید. سر آن را به قوطی کبریت بچسبانید. طرف دیگر را تا کنید و به طرف دیگر قوطی کبریت بچسبانید. از دکمه به جای چرخ ماشین استفاده کنید. با استفاده از مقوای می‌توانید چند چراغ راهنمایی درست کنید و با قوطی کبریت، برای آن‌ها پایه درست کنید. از تگه‌های مقوای سفید هم می‌توانید برای خط‌کشی خیابان استفاده کنید.

حالا ماشین‌های قوطی کبریتی شما آماده هستند تا با توجه به قوانین راهنمایی و رانندگی، بازی را شروع کنید!



چی لازم داریم؟

قوطی کبریت خالی

خرده‌های کاغذ رنگی

چسب

دکمه‌های پاتله

سمت پنجره‌ی اتاق. مثل
بندبازها از آن آویزان شد و خودش
را لب پنجره رساند. توی اتاق سرک کشید.
پری خانم نشسته بود وسط اتاق و داشت گریه
می کرد. اشک‌هایی به درشتی مرواریدهای دریا از
چشم‌هایش پایین می چکید.

خاله عنکبوت تا پری خانم را گریان دید داد زد: «پری
خانم گریان! چرا گریان؟!» پری خانم که صدای
خاله عنکبوت را شنیده بود، فین فینی کرد و سرش
را بلند کرد. دور و برش را نگاه کرد و با تعجب گفت:
«کی بود؟ کی بود صدام کرد؟» خاله عنکبوت از لب
پنجره برای او دست تکان داد و سؤالش را تکرار
کرد: «پری خانم گریان! چرا گریان؟!» پری خانم
آهی کشید و گفت: «تویی خاله عنکبوت؟ ببخشید
ندیدمت.» بعد همان جور که اشک‌هایش را پاک
می کرد، جواب داد: «یک روز دیگر عروسی ام است
اما تور عروس ندارم. یعنی داشتم. انداختمش
توی ماشین لباس شویی تا سفیدتر و براق‌تر
شود اما تگه پاره و رنگارنگ شد. دلم نمی خواهد
خانواده‌ی داماد بفهمند تور عروسی را خراب
کرده‌ام. آبروریزی می شود.»

خاله عنکبوت لبخندی زد و گفت: «اینکه غصه
ندارد. برو از مغازه یک تور جدید بخر.» پری خانم
دوباره آه کشید و گفت: «نیست! از آن تور فقط
یکی بود که من خریدم! همه جا گشتم اما
مثلیش پیدا نمی شود.» خاله عنکبوت فکری کرد
و گفت: «چاره اش این است که یکی مثل همان
را برایت بیافند.» پری خانم با تعجب گفت: «کی؟
کی می تواند مثل همان را بیافند؟!» بعد چشمش
به میله‌ی بافتنی توی دست خاله عنکبوت
افتاد و داد زد: «خود خودت! فقط تو می توانی
خاله عنکبوت!»

خاله عنکبوت لبخندی زد و گفت: «بله که می بافم.
چرا نبافم؟! عکس تور را نشانم بده تا شروع کنم.»



چه خاله عنکبوت با سلیقه‌ای!

عنکبوت‌ها عاشق بافتن هستند. تور
می بافند و تور می بافند. خاله عنکبوت هم
عاشق بافتن بود اما تورهایی که می بافت
با همه‌ی تورها فرق داشت. خیلی خیلی
قشنگ بود!

خاله عنکبوت صبح تا شب می نشست
روی خانه‌ی تور توری اش که وسط باغچه‌ی
خانه‌ی پری خانم بود. می نشست و آواز
می خواند و تور می بافت. خاله عنکبوت
عاشق تور بافتن بود. بلد بود همه جور
توری بیافد: گل دار و برگ برگ و دانه ریز و
دانه درشت و... انباری خانه‌ی خاله عنکبوت
پر بود از تورهای قشنگی که او بافته بود.

یک روز که خاله عنکبوت همین جور برای
خودش شعر می خواند و تور می بافت،
صدای گریه شنید. گوش‌هایش را تیز کرد
تا ببیند صدا از کجا می آید. صدا از اتاق پری
خانم می آمد. خاله عنکبوت توری پرت کرد

پری خانم هم دوید و گوشی اش را آورد و ده بیست تا عکسی که با تور عروسی از خودش گرفته بود به خاله عنکبوت نشان داد. خاله عنکبوت عکس ها را نگاه کرد و گفت: «خیالت راحت! توری بیافم که همه ی فامیل داماد انگشت به دهان بمانند! فقط یک شرط دارد.» پری خانم پرسید: «چه شرطی؟ هر چه بگویی قبول می کنم.» خاله عنکبوت که بافتن را شروع کرده بود و داشت دانه های تور را سر می انداخت گفت: «شرطش این است که راستش را به خانواده ی داماد بگویی. بعد عروسی هم بیایی توی کلاس های آموزش توربافی من شرکت کنی.» پری خانم لبخند زنان جواب داد: «قبول، قبول! خیلی هم عالی می شود. حتما خانواده ی داماد خوش حال می شوند بفهمند عروسی شان هنرمند است و این جور کارها بلد است.»

پری خانم که حالا خوش حال بود، شروع کرد به حرف زدن درباره ی عروسی اش و خاله عنکبوت تند و تند بافت و بافت. آن قدر بافت که شب شد. آن قدر بافت که تور قشنگ عروسی آماده شد. روز بعد، توی خانه ی پری خانم عروسی بود. شادی بود و نقل و شیرینی بود. همه شاد بودند و به تور قشنگ عروس خانم نگاه می کردند و می گفتند: «به به! چه تور قشنگی! چه خاله عنکبوت باسلیقه ای! از هر دستش هزار تا هنر می بارد!»





صاحب‌خانه‌ی کوچک



این هفته قرار است صاحب چند شهرک آپارتمانی شوید، واحدهای مختلف آن را به دیگران اجاره دهید و درآمد به دست بیاورید. در بازی Rent Please! - Landlord Sim مالکیت منطقه‌ای به شما سپرده می‌شود تا با ساخت و راه‌اندازی آپارتمان‌ها و مکان‌هایی مانند رستوران، شرایط خوبی برای زندگی قشرهای مختلف مردم فراهم کنید. البته بخش وسیعی از گیم‌پلی شامل ارتقای و افزایش امکانات در مکان‌های مختلف می‌شود. در نتیجه با هر هزینه‌ای که برای ارتقا امکانات صرف می‌کنید، اجاره‌ها نیز افزایش می‌یابد. از بخش‌های مختلف هر اتاق گرفته تا منوی رستوران و وسایل مورد نیاز برای ورزش، همگی، قابل ارتقا هستند. البته باید توجه داشت که هزینه‌ها برای ساخت یا ارتقا رفته رفته افزایش می‌یابد و برای اینکه صاحب یک شهرک مدرن و پیشرفته باشید، اصلاح کار ساده‌ای در پیش نخواهید داشت زیرا باید زمان زیادی را در بازی صرف کنید تا درآمدهای کسب شده به حساب شما واریز شوند. یکی دیگر از نکات جالب بازی امکان صحبت کردن شما با مستأجران است. در صحبت با آن‌ها، می‌توانید بهتر متوجه شوید چه چیزهایی را باید در آپارتمان‌هایتان بهبود دهید یا بسازید و مردم برای ماندن در خانه‌های شما چه نیازهایی دارند. البته برای پیشرفت سریع‌تر، چاره‌ای جز حضور مداوم در بازی ندارید، به‌ویژه در سطوح بالاتر و پس از ورود به نقشه‌های دیگر زیرا هزینه‌ها به طرز چشمگیری افزایش پیدا می‌کنند و باید زمان بیشتری را به مدیریت و ارتقای بخش‌های مختلف اختصاص دهید.



اسکن کنید

کد روبه‌رو را
اسکن و
مدیریت
آپارتمان‌ها
را آغاز
کنید!





معرفی کتاب



در دلم دریا بریز

کتاب‌های خوب حال دل آدم‌ها را خوب می‌کنند. یکی از این کتاب‌های خوب کتاب شعر «در دلم دریا بریز» است، سروده‌ی آقای غلامرضا بکتاش.

این مجموعه‌ی شعرهای نیایشی برای بچه‌های سال‌های آخر دبستان و دوره‌ی اوّل متوسطه مناسب است. بعضی وقت‌ها خیلی قشنگ می‌شود با زبان شعر با خدا حرف زد. مثل این شعر آقای بکتاش که در صفحه‌ی چهار کتاب چاپ شده است:

من یقین دارم که تو

مهربان و ساده‌ای

چون که در این نیمه‌شب

یاد خاک افتاده‌ای

تو مرا در مشکلات

سخت یاری می‌کنی

مغز خشک خاک را

آبیاری می‌کنی

این کتاب را انتشارات به‌نشر منتشر کرده است.



هانیه وهابی



در دلم دریا بریز

نویسنده: غلامرضا بکتاش

انتشارات: به‌نشر

الا بلا بینگو



نام:
الا بلا بینگو

کارگردان:
آتل سولبرگ، پدک

تاریخ انتشار:
۲۰۲۰

ساخت:
نروژ

زمان:
۷۵ دقیقه

ژانر:
ماجراجویی

داستان این انیمیشن از جایی آغاز می‌شود که دو پسر بچه به نام‌های الا و هنری با هم بسیار صمیمی هستند. علاقه‌ی آن‌ها به سیرک باعث می‌شود که با کمک دیگران سیرکی راه بیندازند. آن‌ها برای بهتر اجرا شدن مراسم، از پدر الا و همسایه‌هایشان کمک می‌گیرند.

همه استقبال می‌کنند و همه چیز خوب پیش می‌رفت تا اینکه پسری به نام جانی از راه می‌رسد. او که برای مدتی به خانه‌ی عمویش در شهر آن‌ها آمده است، با دیدن هنری سعی می‌کند با او دوست شود. او دو چرخه‌ی خود را که مورد علاقه‌ی هنری است به او می‌دهد.

تا برای خودش باشد. الا از این اتفاق ناراحت می‌شود و سعی می‌کند توجه دوست صمیمی‌اش را به خودش جلب کند اما جانی هم همین تصمیم را دارد. هنری که بین جانی و الا گیر افتاده است، عصبانی می‌شود و از پیش آن‌ها می‌رود. الا بسیار ناراحت می‌شود. به همین دلیل، با کمک همسایه‌ها به دنبال هنری می‌روند اما او را پیدا نمی‌کنند.

جانی باردیابی که به دو چرخه‌اش وصل کرده است می‌تواند هنری را پیدا کند ولی وسط راه، یک گاو وحشی به الاحمله می‌کند. جانی از راه می‌رسد و او را نجات می‌دهد. به این ترتیب، آن‌ها دوباره با هم دوست می‌شوند.





خوراک گوجه بادنجان



مرجان اسماعیلی

امروز می‌خواهیم یک غذای بامزه درست کنیم که هم مزه‌اش خوب است هم اسمش جالب است. این غذا خوراک گوجه بادنجان است که به آن یتیمچه هم می‌گویند.

بادنجان‌ها را می‌شوئیم و پوست می‌گیریم. بعد، آن‌ها را به شکل تکه‌های مربعی خرد می‌کنیم. پیاز و سیر را هم در دو ظرف جداگانه ریز می‌کنیم. گوجه را تکه‌تکه خرد می‌کنیم تا درآخراز آن‌ها استفاده کنیم.

بادنجان‌ها را در روغن سرخ می‌کنیم و کنار می‌گذاریم. بعد پیاز را در روغن سرخ می‌کنیم و آن‌ها را هم کنار می‌گذاریم. سپس سیر را کمی در روغن تفت می‌دهیم. بادنجان و پیاز سرخ شده را با سیر مخلوط می‌کنیم. گوجه‌ها را به مواد اضافه می‌کنیم و کمی تفت می‌دهیم. بعد، نمک، فلفل و زرچوبه و یک لیوان آب داغ به مواد اضافه می‌کنیم و در ماهیتابه را می‌گذاریم تا با شعله‌ی ملایم بپزد. حدود ۲۰ تا ۳۰ دقیقه طول می‌کشد که غذای ما آماده شود. هر وقت آب مواد کم شد و به اصطلاح به روغن نشست، یتیمچه‌ی ما آماده است. این غذا را می‌توانید با نان نوش جان کنید!

چی لازم داریم؟

بادنجان متوسط ۴ عدد

گوجه‌ی متوسط ۲ عدد

پیاز متوسط یک عدد

سیر ۲ حبه

نمک به میزان لازم

فلفل به میزان لازم

زرچوبه به میزان لازم

روغن به میزان لازم





هلیا طاهری زاده هفت ساله



تاتیا طاهری زاده چهار ساله

قاب کودکی

شما هم می توانید
عکس های کودکان خود را
برای ما به شمارهی ایتای
۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰ بفرستید.



مارتینا اعظمی



پرنیا و فاطمه ذاکر گل خطمی دو خواهر مهربان



بهرام زاری



چی لازم داریم؟

بطری خالی دردار

اکیل ۳ تا ۴ قاشق چای خوری

قیف

آب

گردبادها چه طور به وجود می‌آیند؟



همیشه پدیده‌های طبیعی مثل باد و باران و صاعقه برای کودکان جالب هستند. کودکان دوست دارند دلیل هر اتفاق طبیعی را بدانند. یکی از این چیزهای جالب گردباد است. همیشه در سفرهای جاده‌ای شاهد گردبادهای کوچک در کنارهای دشت‌ها بوده‌اید. اگر دوست دارید بدانید با یک آزمایش ساده چه طور می‌شود یک گردباد کوچک درست کرد با ما همراه باشید!

همین اول کار به سراغ اکلیل‌ها بروید و آن‌ها را به کمک قیفی کوچک درون بطری بریزید. فراموش نکنید هرچه میزان اکلیل‌ها بیشتر باشد، به نتیجه‌ی بهتری دست خواهید یافت. مرحله‌ی دوم کار این است که سه چهارم بطری را با آب پر کنید.

حالا در بطری را محکم ببندید. بطری را وارونه کنید و به صورت دایره‌وار، ۱۰ تا ۱۵ دقیقه تکان دهید.

بطری را همان طور وارونه روی میز قرار دهید و مشاهده کنید که چه گونه گردباد تشکیل خواهد شد. اکیل خاصیتی شبیه به خاک دارد که همچون خاک در گردباد، در هوا می‌چرخد.

هنگامی که بطری را دایره‌وار می‌چرخانید، گرداب ایجاد شده شبیه به یک گردباد به نظر می‌رسد.



گفت و گو با یک خوش نویس کوچک:



شبنم کریمی

از امروز روی خودمان سرمایه گذاری کنیم

«خوش نویسی سبب تقویت درس‌های من می‌شود، مثلاً املا. وقتی خوش خط باشید، طبیعتاً با دقت بیشتری می‌نویسید و این دلیلی می‌شود که اشتباه‌هایتان کاهش پیدا کند.» آنچه خواندید عقیده‌ی علی طاهری، دانش‌آموز کلاس ششم دبستان پسرانه‌ی ثامن الائمه، درباره‌ی خوش خطی است. او خوش نویسی را از کلاس اول دبستان با آموزش در مدرسه آغاز کرده است و اکنون جزو برترین‌های منطقه در این هنر ارزشمند است. گفت‌وگوی ما با علی را بخوانید.

دست‌نوشته‌های طلایی

معلم کلاس اولم مرا به یکی از مسئولان مدرسه که خوش نویس بود معرفی کرد و در مدرسه به من خط تحریری آموزش دادند. از کلاس دوم، کلاس خط رفتم و از کلاس پنجم، خط نستعلیق را با قلم‌نی آغاز کردم. سال پیش که سطح نستعلیق من به اندازه‌ی قابل قبولی رسید، آموزش خط نسخ را هم شروع کردم و اکنون خط نسخ را با قلم کار می‌کنم. به خوش نویسی علاقه‌ی بسیاری دارم و به نظر من ۹۰ درصد آنچه به عنوان استعداد می‌شناسیم همان علاقه است که سبب پیشرفت من هم در این هنر شده است. هر پیشرفتی، خود، یک موفقیت است اما نخستین پیروزی من در کلاس اول اتفاق افتاد که در مسابقات «دست‌نوشته‌های طلایی» توانستم مقام اول را کسب کنم. پس از آن، امسال موفق شده‌ام در مسابقات آموزش و پرورش مقام اول ناحیه را به دست بیاورم. پیروزی برخلاف شکست همیشه احساس خوش حالی را به دنبال دارد. من هم از این موفقیت‌ها خیلی شادم.





آموختن یک مهارت لازم است

از استادان بزرگ خوشنویسی، استاد بزرگ نستعلیق، استاد امیرخانی، برایم شناخته شده است که تقریباً معروفترین استاد خوشنویسی در ایران به شمار می‌رود. استاد عبادی، از بهترین استادان خطوط عربی، استاد و الگوی من در خوشنویسی است و قدردان ایشان هستم. خوشنویسی یک مهارت و هنر است. در آینده هر شغلی داشته باشم حتماً به عنوان شغل دوم انتخاب می‌کنم. به هم‌سایه‌های من هم پیشنهاد می‌کنم حتماً از آموختن یک مهارت یا ورزش باشند و از امروز سرمایه‌گذاری کنند که منفعت آن از سرمایه‌گذاری روی بورس و دلار و ... خیلی بیشتر است.

هر روز تمرین می‌کنم

محسوب می‌شود اما برای آموزش، کلاس هم می‌روم. برای گذراندن کلاس‌ها همیشه با پدرم از مصلی به احمدآباد می‌رویم. پدرم برای پیشرفت من خیلی زحمت می‌کشند و از آن‌ها خیلی ممنونم. خط تحریری یا خودکاری را مانند قلم‌نی تمرین می‌کنم و برای هر دو به یک اندازه وقت می‌گذارم. برای تمرین، برنامه‌ریزی ویژه‌ای ندارم اما حتماً روزی یک مرتبه تمرین خوشنویسی انجام می‌دهم. برای خوشنویس شدن نیست. فقط علاقه است که عامل پیشرفت می‌شود. معمولاً افرادی که مرا نمی‌شناسند ابتدا که خطم را می‌بینند شگفت‌زده می‌شوند و باور نمی‌کنند کار من پیشرفت بیشتری برای جز خوشنویسی تاکنون در مسابقه‌ی دیگری رشته‌های هنری گرافیک و طراحی با موبایل و ورزشی پینگ‌پنگ و کاراته موفق بوده‌ام.

بهترین حس با خوشنویسی

خوشنویسی فقط عاملی برای شادی من نیست بلکه به عنوان یک هنر ارزشمند و مهارتی که به آن علاقه دارم بهترین حس را از این توانایی دریافت می‌کنم. برای خوشحالی به اتفاقات زیادی نیاز نیست. مثلاً وقتی در یک کلاس خیلی خوب که می‌دانم سبب پیشرفتم می‌شود نام نویسی کنم سبب می‌شوم اما وقتی ناراحت می‌شوم، معمولاً باید خود به خود حل شود و راه خاصی برای برطرف شدن آن نمی‌شناسم!

ادب ادب دارد

هنر خوشنویسی هنر بسیار مهمی است. وقتی نزد استاد می‌روید، معمولاً نخستین سرمشقی که می‌گیرید این جمله است: ادب ادب دارد است. یعنی از همان ابتدا که خوشنویسی را آغاز می‌کنید، جملاتی را می‌نویسید و تمرین می‌کنید که بر شما تأثیر خوب دارد و با ادبیت‌ان‌س می‌گیرید. آموختن هر رشته‌ای هزینه‌ها و سختی‌های خودش را دارد اما به نظر من، اگر برای خوشنویسی دنبال وسایل با کلاس نباشیم، یکی از هنرهای بسیار کم‌خرج است. مثلاً برای یادگیری خط تحریری فقط به یک کتاب و زیردستی خط یک خودکار معمولی مانند بیک و یک کاغذ ساده نیاز داریم. این هنر از سوی اهل بیت (ع) نیز سفارش شده است. مثلاً امام علی (ع) می‌فرماید: «خوشنویسی را فرا بگیرید زیرا یکی از کلیدهای ثروت و آرامش برای انسان به دنبال داشته باشد».

آداب زیارت

وقتی به زیارت امام رضا[ع] می‌رویم

تمیزترین و مناسب‌ترین لباس خود را بپوشید. یادتان باشد حرم امام رضا[ع] خانه‌ی اوست و شما دعوت شده‌اید. پس بهترین و مناسب‌ترین لباس خود را بپوشید و به مهمانی امام رضا[ع] بروید.



سلام فراموش نشود

موقع وارد شدن به حرم امام مهربانی‌ها یادتان باشد باید با احترام و ادب و روی خوش به صاحب خانه سلام کنید: السلام علیک یا علی بن موسی.



حرف‌های دلی

امام رضا همه‌ی حرف‌هایی را که آرام و یواشکی توی دلتان به او می‌گویید می‌شنود. پس لازم نیست حتماً با صدای بلند دعا کنید. دعا برای سلامتی امام زمان [عج] و دیگران به‌ویژه پدر و مادر را در کنار دعاهای شخصی خود فراموش نکنید.





شنیدن هم خوب است

اگر هنوز دانش آموز نشده اید یا
نمی توانید کتاب های دعا را خوب
بخوانید، می توانید کنار پدر و مادرتان
بنشینید و از آن ها بخواهید کمی بلندتر
بخوانند تا شما هم بشنوید.



مراقب باشید

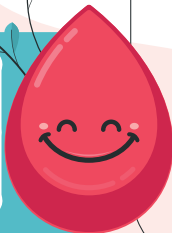
حواستان باشد در میان جمعیت
زیارت کنندگان مادر و پدرتان را گم نکنید
و اگر این اتفاق برای شما یا آنان افتاد،
از خادم های حرم کمک بگیرید. وقتی
زیارتتان تمام شد و خواستید به خانه تان
برگردید، فراموش نکنید دوباره روبه گنبد
امام رضا [ع] با احترام برای خدا حافظی هم
سلام بدهید و بگویید:
«السلام علیک یا علی بن موسی الرضا [ع]»

جدول انگلیسی:

روز اهدای خون

امروز روز جهانی اهدای خون است. «اهدا» یعنی هدیه دادن. بعضی بیمارها به خون نیاز دارند. بعضی ها هم هستند که دوست دارند خونشان را هدیه کنند و زندگی بیماران را نجات دهند. روز جهانی اهدای خون به ما یادآوری می کند می توانیم کمک کنیم جان یک بیمار نجات پیدا کند. کلمه های مشخص شده را در جدول پیدا کن! راهنمایی: همه ی واژه ها عمودی هستند.

C	M	L	I	T	R	L
G	E	O	F	O	S	I
B	A	A	S	D	A	F
L	N	V	O	N	V	E
O	S	G	M	E	E	I
O	T	I	E	E	W	O
D	E	F	S	D	E	N
Q	R	T	S	T	C	E



پاسخ ها

blood

means

gift

some

need

save

life

one

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

need

اهدای خون، فرصت دوباره‌ی زندگی کردن



سال‌می که این‌گونه گروه‌های خونی را دارند، در زمان‌های مختلف سال برای اهدای خون به مراکز سازمان انتقال خون مراجعه کنند تا جان افراد بسیاری را نجات دهند. از سوی دیگر، اهدای خون برای سلامتی قلب و عروق فرد اهداکننده هم بسیار خوب است. مثلاً افرادی که آهن خونشان زیاد است یا مشکلات قلبی و عروقی دارند، با کاهش میزان آهن خون، غلظت خونشان کم و خطر سکت قلبی در آن‌ها کاسته می‌شود. اما هر زمانی خواستیم خون اهدا کنیم، باید مراقبت کنیم تا بیمار نباشیم و از این طریق به خودمان و دیگرانی که از خون ما استفاده می‌کنند، آسیبی نرسانیم.

دوستان خوب کوله‌پشتی! امروز ۴ اژوئن مصادف است با روز جهانی اهدای خون. خون مهم‌ترین مایع بدن ماست که همه‌ی مواد غذایی و اکسیژن لازم برای رشد سلول‌ها را به آن‌ها می‌رساند.

انسان‌ها گاهی بر اثر برخی بیماری‌ها یا حوادث، کم‌خون می‌شوند و به همین دلیل جان‌شان به خطر می‌افتد. در این اوضاع، اهدای خون مهم‌ترین روش نجات جان انسان‌های دیگر است. افرادی که در سوانح رانندگی یا بر اثر بلایای طبیعی مانند زلزله مصدوم می‌شوند، نوزادان و کودکانی که به دلیل بعضی بیماری‌های خاص مانند تالاسمی یا هموفیلی، کم‌خون هستند و بیمارانی که عمل جراحی انجام داده‌اند، همگی از انسانی‌هایی هستند که برای زنده ماندن به خون هم‌نوعان خود نیاز دارند و همه‌ی مامی‌توانیم با اهدای کمی از خون خودمان، زندگی یک انسان دیگر را از مرگ نجات دهیم.

در سال ۱۸۱۸ میلادی، اولین بار در یک عمل جراحی که جیمز بلاندر انجام داد، به یک انسان در حال مرگ خون تزریق شد. سازمان انتقال خون ایران در سال ۱۳۵۳ خورشیدی تأسیس شد و تاکنون بیش از نود پایگاه انتقال خون در سراسر کشور داریم. بچه‌های خوب! ما چهار گروه خونی داریم که بعضی از این گروه‌های خونی در مقایسه با گروه‌های خونی دیگر کمتر هستند. به همین دلیل، تأمین خون مورد نیاز برای افرادی با گروه‌های خونی کمیاب مانند O منفی در مدت کم ممکن نیست و بهتر است افراد





تصویرگر: زهره افشاری